



حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۸۷)﴾
وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ
وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۸۸) قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ
لَا يَعْلَمُونَ (۸۹)﴾

چند نکته مربوط به مسائل قبلی مانده است یکی اینکه در آیه ۸۱ فرمود ﴿ما جئتم به السحر ان الله سيبيطله ان الله لا يصلح عمل المفسدين﴾^۱ سحر همان طوری که ملاحظه فرمودید يك واقعیت تکوینی نظیر معجزه ندارد که مثلاً عصا چوبی را به صورت حیوانی در بیاورد که بشود حیوان واقعی لکن در چشم اثر می‌گذارد در خیال اثر می‌گذارد همین تأثیر در چشم و در حس و خیال منشأ بسیاری از آثار است منشأ ترس است و مانند آن.

مطلب دیگر اینکه فرمود خداوند عمل مفسدین را اصلاح نمی‌کند احیاناً با آنچه در صحیفه مبارکه امام سجاد (سلام الله علیه) دعای چهل آمده است به حسب ظاهر ناهماهنگ تلقی می‌شود در دعای چهل صحیفه سجادیه که آغازش این است «اللهم صل علی محمد و آله و اکفنا طول الأمل و قصره عنا بصدق العمل»^۲ بخش پایانی این دعای چهل این است «امتنا مهتدین غیر ضالین طائعین غیر مستکهرین تائبین غیر عاصین و لا مصدّین یا ضامن جزاء

۱ - سوره یونس، آیه ۸۱

۲ - صحیفه سجادیه، ص ۱۷۳

المحسنين و مستصلح عمل المفسدين»^۱ ای خدایی که جزای افراد محسن را ضامنی و عطاء می‌کنی و ای خدایی که عمل مفسدین را مستصلحی صالح می‌کنی در این آیه فرمود خداوند ﴿لَا يَصْلَحُ عَمَلُ الْمُفْسِدِينَ﴾^۲ آنجا دارد «مستصلح عمل المفسدین»^۳ فرق اساسی این دو بخش این است که خداوند عمل کسی که فاسد باشد و خود آن شخص قبیح فاعلی داشته باشد و در صدد اضلال مردم باشد و در برابر دین موضع بگیرد خداوند این عمل را به صلاح نمی‌رساند یعنی این عمل را عیبش را برطرف نمی‌کند نقصش را برطرف نمی‌کند این را به مقصد نمی‌رساند قهراً این شخص نتیجه نمی‌گیرد این همان است که فرمود خداوند فاسق را هدایت نمی‌کند ظالم را هدایت نمی‌کند ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾^۴ ﴿لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾^۵ یعنی نمی‌گذارد فاسقین به مقصد برسند ظالمین به مقصد برسند و مانند آن چون عمل این افراد هم عیب دارد هم نقص دارد لذا به مقصد نمی‌رسند و ذات اقدس اله هرگز نقص و عیب اینها را برطرف نمی‌کند و اینها به مقصد نمی‌رسند اما کسانی که در مسیر دینند و احیاناً غفلتی کردند و اشتباهی کردند ﴿خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا﴾^۶ و از ذات اقدس اله درخواست می‌کنند که عیب کارشان را برطرف کند و نقص کارشان را برطرف کند این عمل فاسد را با رفع نقص و عیب صالح بکند که اینها بشوند جزء عمل الصالحات این دعا را خدا مستجاب می‌کند توفیقی به اینها عطاء می‌کند که نقص عملشان را برطرف بکنند عیب عملشان را برطرف بکنند این عمل بشود بی عیب این عمل بشود بی نقص آن وقت به مقصد می‌رسد این همان است که در ادعیه دیگر می‌گوییم «اللهم غیر سوء حالنا بحسن حالک» خداوند که اعمال بدمان را احوال بدمان را تغییر می‌دهد یعنی

۱ - صحیفه سجادیه، ص ۱۷۳

۲ - سوره یونس، آیه ۸۱

۳ - صحیفه سجادیه، ص ۱۷۳

۴ - سوره منافقون، آیه ۶

۵ - سوره بقره، آیه ۲۵۸

۶ - سوره توبه، آیه ۱۰۲

توفیقی عطاء می‌کند که آن نقص‌ها آن عیب‌ها برطرف شوند تا به مقصد برسند بنابراین اگر کسی نظیر ساحران فرعون و مانند آن در صدد بر اندازی دین نظام دینی و مانند آن بودند این عمل‌ها را هرگز خدا به مقصد نمی‌رساند یا کسی در صدد ظلم به يك گروه مخصوصی باشد خداوند هرگز این عمل را به مقصد نمی‌رساند ولی اگر کسی در مسیر مستقیم باشد و غفلتی کرده عیبی نقصی در کارش پیدا شده و به ذات اقدس اله پناه‌دهنده شد خداوند توفیقی عطاء می‌کند که این نقص و عیب کارش برطرف بشود پس ﴿اللهم غير سوء حالنا بحسن حالك﴾^۱ و مانند آن در اینگونه از موارد است آن دعای چهلم صحیفه سجادیه که ﴿یا ... مستصلح عمل المفسدين﴾^۲ اینها ناظر به آن بخش است و این آیه محل بحث سوره یونس که ﴿ان الله لا يصلح عمل المفسدين﴾^۳ راجع به بخش دیگر.

سؤال: ... جواب: فرقی نمی‌کند چون مفسدین بالأخره هر دو جا صفت مشبهه است کسی که يك بار احياناً گرفتار فساد شد امید عفو الهی هست اما این مفسد ملکه است و صفت مشبهه است در حقیقت نه اسم فاعل

سؤال: جواب: نه اینجا هم همین‌طور است اینجا هم اگر کسی مدتها بی‌راهه می‌رفت و حالا برگشت و توبه کرد چون در همان دعای چهلم دارد که خدایا توفیق توبه را هم به ما مرحمت بکن قبل از این مسئله توبه دارد عرض می‌کند «امتنا مهتدين غير ضالين طائعين غير مستكرهين تائبين غير عاصين و لا مصرين يا ضامن جزاء المحسنين و مستصلح عمل المفسدين»^۴ این ادعیه هم نظیر آیات قرآن کریم آنچه در بخش پایانی آیه است که اسمای حسنیای خداست به منزله دلیل مضمون آن آیه است اگر آیه درباره مغفرت و بخشش گناهان است ذیل آیه این است ﴿ان الله

۱ - مفاتیح الجنان، ص ۱۷۷

۲ - صحیفه سجادیه، ص ۱۷۳

۳ - سوره یونس، آیه ۸۱

۴ - صحیفه سجادیه، ص ۱۷۳

غفور رحیم»^۱ اگر در صدد انتقام و تنبیه متجاوزان است ﴿وَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۲ و مانند آن می آید ﴿السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾^۳ اما دیگر ذیلش این نیست ﴿إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۴ آنجا جای عزیز حکیم است ادعیه ائمه علیهم السلام هم همین طور است مضمون جمله های قبلی درخواست مغفرت درخواست توبه درخواست افاضه جدید و تحویل حال و مانند آن است در پایان این چنین آمده است «یا ضامن جزاء المحسنین و مستصلح عمل المفسدین»^۵ با توبه عمل ما را اصلاح کنی با توبه عیب را برطرف کنی با توبه نقص را برطرف کنی که نقص و عیب قبلاً گذشت اینها فرق اساسی دارند باهم خوب.

مطلب دیگر اینکه این ایمان آورنده ها جوانان همان قوم موسی کلیم (سلام الله علیه) بودند البته سالمندان و میان سال ها هم بعداً ایمان آوردند ولی عمده این کار جوانها بود نظیر آنچه در سوره کهف آمده است که اصحاب کهف را دارد ﴿انهم فتية آمنوا بربهم﴾^۶ گرچه آنجا گفتند منظور فتوت و جوانمردی است نه جوانی ولی بالأخره ظاهرش این است جوانانی بودند که متدین شدند این بزرگوارها که ایمان آوردند اهل درك بودند خداوند از اینها به نیکی یاد می کند می فرماید ﴿فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِيَةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَا لَهُمْ أَنْ يَفْتَنَهُمْ﴾^۷ اینها مسئله ترس از فرعون برای اینها خیلی مطرح نبود برای اینکه خوب می دانستند اعدام بود و تاکنون سالیان متمادی بود که درباریان فرعون ﴿يَذْبَحُونَ أَبْنَاءَكُمْ﴾^۸ داشتند «یقتلون» داشتند ﴿يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ﴾^۱ داشتند ﴿وَيَسْتَحْيُونَ

۱ - سوره بقره، آیه ۱۷۳

۲ - سوره مائده، آیه ۳۸

۳ - سوره مائده، آیه ۳۸

۴ - سوره بقره، آیه ۱۷۳

۵ - صحیفه سجاده، ص ۱۷۳

۶ - سوره کهف، آیه ۱۳

۷ - سوره یونس، آیه ۸۳

۸ - سوره بقره، آیه ۴۹

نساءكم^۲ داشتند و مانند آن این يك كیفر جدیدی ظلم تازه‌ای نبود چه اینکه در جریان مبارزه و تحدی آن ساحرانی که ایمان آوردند فوراً فرعون گفت که ﴿وَلَا صْلَبْنَكُمْ فِيْ جَذْوَعِ النَّخْلِ﴾^۳ و اینها را به کیفر تلخ مبتلا کرد اینها ترسی از اعدام و شکنجه نداشتند ترسشان از ترفند کسانی بود که می‌ترسیدند آنها را دوباره برگردانند به دین قبلی ﴿إِلَّا ذَرِيَّةَ مِنْ قَوْمِهِ عَلِيٍّ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِمْ أَنْ يَفْتَنَهُمْ﴾^۴ بود نه ﴿أَنْ يَمُوتُوا بِعَذَابِهِمْ﴾ یا ﴿يَسُومَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ﴾^۵ اینها نبود فتنه در این‌گونه از موارد همان ترفند و همان تبلیغ سوء و همان نیرنگ و امثال ذلك است که مبدا اینها با آن ترفند و نیرنگ دوباره اینها را برگردانند به حالت اول چون ﴿عَلِيٍّ خَوْفٍ﴾^۶ ایمان آوردند لذا زیرکی و درایت‌شان را حفظ کردند هم این مطلب را با ذات اقدس اله در میان گذاشتند هم سعی می‌کردند از راهنمایی‌های موسی و هارون (سلام الله علیهما) استفاده کنند بنابراین قرآن کریم گذشته از اینکه از این جوانها از این مؤمنان به عنوان ذریه یاد کرده است که يك تجلیلی است از نوجوانها و جوانهای آگاه فرمود ﴿عَلِيٍّ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِمْ أَنْ يَفْتَنَهُمْ﴾^۷ بودند اینها می‌دانستند که بالأخره از ترفند و تبلیغ سوء آل فرعون در امان نیستند قهراً يك راه حلی هم برای این انتخاب کردند که آن راه حل در آن دعاهاى بعدی آنها هست که عرض کردند ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾^۸ خوب این ﴿عَلِيٍّ خَوْفٍ﴾^۹ گفتند این علی به معنی مع است یعنی با اینکه می‌ترسیدند گرفتار ترفند شوند مع ذلك ایمان آوردند و آن خوف ترفند را هم با این دارند حل می‌کنند که با خدای سبحان راز و نیاز می‌کنند که خدایا ما را مورد

۱ - سورة بقره، آیه ۴۹

۲ - سورة بقره، آیه ۴۹

۳ - سورة طه، آیه ۷۱

۴ - سورة يونس، آیه ۸۳

۵ - سورة اعراف، آیه ۱۶۷

۶ - سورة يونس، آیه ۸۳

۷ - سورة يونس، آیه ۸۳

۸ - سورة يونس، آیه ۸۵

۹ - سورة يونس، آیه ۸۳

فتنه و ترفند و تبلیغ سوء اینها قرار نده که اینها چهارتا شبهه القا کنند و ما نتوانیم جواب بدهیم و دوباره برگردیم به همان رژیم باطل بت پرستی.

سؤال ... جواب: بله خدای سبحان همین کار را کرد که اینها نسبت به جهنم خوفی ندارد ﴿إِلاَّ انْ أُولِيَاءُ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۱ از دشمن ترسی ندارند که آنها را اعدام بکنند چون حاضرند اما می ترسند که دشمن ها اینها را مورد ترفند و شبیخون و تهاجم فرهنگی قرار بدهند این گوهر گرانهای دین را از اینها بگیرند لذا بین خوف و رجا به سر می برند اگر کسی دشمن را نادیده ببیند طبق بیان نورانی حضرت امیر که فرمود «وَمَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ»^۲ خوب تیر می خورد دیگر حضرت یا نامه ای برای مردم مصر نوشت در قبال آن عهدنامه ای که برای مالک (رضوان الله علیه) نوشت يك نامه جداگانه برای مردم مصر نوشت که هر دو نامه در نهج البلاغه هست نامه ای که برای مالک اشتر (رضوان الله علیه) همان عهدنامه معروف است نامه ای که برای مردم مصر نوشت فرمود حالا نگوئید که ما فرمانده کل قوایی مثل حضرت امیر داریم یا فرمانده لشکری مثل مالک اشتر داریم و کارمان تأمین است این چنین نیست «وَمَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ»^۳ ملتی که بخوابد دشمن بیدار می تازد دشمن که نمی خوابد که این ممکن است نایم بشود ولی منوم عنه نخواهد شد کسی از او غفلت نمی کند لذا حمله می کند «وَمَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ»^۴ این هم همین طور است حالا اینها که ایمان آوردند این طور نیست که حالا آنها از حمله نظامی صرف نظر کردند از حمله تبلیغاتی و ترفند و فتنه صرف نظر بکنند اینها چندین کار دارند این جوانها گفتند حالا ممکن است که دست آنها به سلاح دراز نشود

۱ - سورة یونس، آیه ۶۲

۲ - نهج البلاغه، نامه ۶۲

۳ - نهج البلاغه، نامه ۶۲

۴ - نهج البلاغه، نامه ۶۲

فعلاً کار نظامی نکنند اما کار تبلیغی بکنند ﴿عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمُ ان يَفْتِنَهُمْ﴾^۱ آن کارهای قبلی که ﴿يَسْؤُمُونَكُمْ سِوَاءَ الْعَذَابِ﴾^۲ که سالیان متمادی بود ﴿يَقْتُلُونَ اِبْنَاءَكُمْ﴾^۳ که سالیان متمادی بود ﴿يَذْبَحُونَ اِبْنَاءَكُمْ﴾^۴ که سالیان متمادی بود يك چیزی جدیدی نبود اینکه چیز جدید است همان شبیخون و تهاجم ترفند است که از این ترفند به فتنه یاد می‌شود این است که ذات اقدس اله فرمود ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ﴾^۵ یعنی این تنها مسئله نظامی نیست فرمود با آنها مبارزه کنید تا فتنه‌ای در کار نباشد تا ترفندی در کار نباشد تا شبیخون و تهاجم فرهنگی در کار نباشد.

سؤال ... جواب: خوب بالأخره اینها هم باید ... قرآن کریم فرمود شما سه تا دشمن دارید که دو تایش را ممکن است بدانید یا می‌دانید آن سومی را نمی‌دانید از جهات سه‌گانه شما باید آماده باشید ﴿وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ ترهبون به عدو الله^۶ يك، ﴿وَعَدُوَكُمْ﴾ دو، ﴿وَالْآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾^۷ سه، فرمود شما يك سلسله دشمنانی دارید چه داخل چه خارج ولی ناشناخته‌اند شما وقتی به نصاب علم و عمل رسیده باشید اینها هم ناامید می‌شود آنها که دشمنان خدا هستند یعنی با دینتان با آیینتان با کتابتان با سنت اهل بیت (علیهم السلام) مخالفند آنها را که نمی‌شود با اسلحه ترساند که آنها کار رسمی و اولی حوزه و دانشگاه است که ﴿ترهبون به عدو الله﴾^۸ آنهايي که ﴿عَدُوَكُمْ﴾ هست آب‌تان نفت‌تان گازتان سرزمین‌تان را می‌خواهند آنها با اسلحه حل می‌شود گروه

۱ - سورة يونس، آیه ۸۳

۲ - سورة بقره، آیه ۴۹

۳ - سورة اعراف، آیه ۱۴۱

۴ - سورة بقره، آیه ۴۹

۵ - سورة انفال، آیه ۳۹

۶ - سورة انفال، آیه ۶۰

۷ - سورة انفال، آیه ۶۰

۸ - سورة انفال، آیه ۶۰

سومی هم هستند که دشمنان داخلی اند مزدوران آنها هستند پیاده نظام بیگانه ها هستند خدا می داند شما نمی شناسید اینها را شما وقتی نمی شناسید چگونه با اینها درگیر می شوید ولی اگر چنانچه يك ملت عالم آگاه مسلح مصمم باشید اینها هم از شما می ترسند ﴿ترهبون به عدو الله﴾^۱ يك، ﴿وعدوكم﴾^۲ دو، چون ﴿عدو الله﴾ رسالت اصلی اش مال حوزه و دانشگاه است الان این آیه آرم سپاه است ولی آن اولی اش مال دانشگاه و حوزه است ﴿ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم﴾^۳ اما این آیه واقع مثل آیات دیگر اینکه ما آیات قرآن را می بوسیم برای اینکه اینها حیات بخش است هرگز به ما دستور حمله و اینها نداد فرمود شما روی پای خودتان بایستید تا دیگران در شما طمع نکنند همین که ترهبون نه حمله بکنید وقتی دشمن از شما بترسد خوب حمله نمی کند دیگر شما هم حتی آنجایی هم که بحثهای قبلی که داشتیم ﴿وليجدوا فيكم غلظة﴾^۴ نه یعنی «اغلظوا عليهم» یعنی آنها ببینند شما سستبرید نفوذ ناپذیرید مثل بنیان مرصوص وقتی ببیند بنیان مرصوص است قلعه است خوب حمله نمی کند دیگر نه اینکه شما حمله بکنید آن شما حمله بکنید را به شخص پیغمبر (عليه و على آله آلاف التحية و الثناء) در ضرورت شرایط خاص لازم است که ﴿يا ايها النبي جاهد الكفار والمنافقين واغلظ عليهم﴾^۵ آن شرایط خاص خودش را دارد اما اینجا نفرمود اغلظوا عليهم فرمود ﴿وليجدوا فيكم غلظة﴾^۶ اینها وقتی آمدند دست زدند دیدند که شما خیلی سستبرید پولادید برمی گردند شما خودتان را محکم بکنید نه اینکه بتازید به دیگری و وجود مبارك ولی عصر (ارواحنا فداه) هم که الان در آستانه میلاد آن حضرتیم قسمت مهم کارش این است که عقل مردم می رود بالا و گرنه با کشتن حالا بر فرض

۱ - سورة انفال، آیه ۶۰

۲ - سورة انفال، آیه ۶۰

۳ - سورة انفال، آیه ۶۰

۴ - سورة توبه، آیه ۱۲۳

۵ - سورة توبه، آیه ۷۳

۶ - سورة توبه، آیه ۱۲۳

الان هفت میلیارد بشر روی زمینند حالا حضرت باید يك میلیارد را بکشد تازه اول دعوا و ترور است مگر با کشتن جامعه اصلاح می شود کشتن در حداقل و ضرورت و لاعلاجی است آن معجزه نورانی وجود مبارك حضرت این است که فهم مردم عقل مردم شعور مردم ادراك مردم ایمان مردم را بالا می آورد حالا «وضع یده علی رئوسهم» ضمیر وضع یا به ذات اقدس الهه برمی گردد یا به دست خلیفه الله وجود مبارك ولی عصر (ارواحنا فداه) برمی گردد این است که فهم مردم بالا می آید آن وقت اداره کردن این ملت به فهم خیلی آسان است اگر يك ملتی یعنی ملت هفت میلیاردی که جهان به آن سمت دارد می رود عاقل و عالم و فرزانه شدند وجود مبارك حضرت هم با سیصد و سیزده شاگردی که همه آنها مثل امام یا بالاتر از امام است ظهور کرده است خوب اصلاح چنین جهانی آسان است دیگر امام (رضوان الله علیه) يك نفره آمده بخش وسیعی از جهان را بالأخره عوض کرد یا مستقیم یا غیر مستقیم حالا سیصد و سیزده تا شاگرد داشته باشد مثل امام یا بالاتر از امام و عقل مردم را بالا ببرد خوب اداره اش آسان است دیگر مهمترین کار حضرت این است «وضع یده علی رئوس العباد فزادت عقولهم و احلامهم» خدای سبحان عقل مردم را الان قسمت مهم این مشکلات روی بی عقلی است آن فساد اگر هست آن رشوه گری هست آن رباخواری هست آن تفکیک است آن گران فروشی هست آن احتکار است همه اش روی بی عقلی است چون عقل «ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان»^۱ جریان مبارك ولی عصر در واقع مثل آب حیات است مثل آن هوای زلال است مثل آب شفاف است برای همه ما ضروری است و دعای ما برای آن حضرت تعجیل در ظهور آن حضرت برای همین است که جهان به آن شجره طوبی برسد غرض این است که وجود مبارك موسی کلیم اینها این آگاهی را داده است اینها هم

عرض کردند خدایا ﴿لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾^۱ اینجا جای ظلم هست بعد هم خوب خدایا حالا بر فرض اینها گرفتار ترفند اینها نشدیم ما را از شمشیر اینها حفظ بکنیم که ما بتوانیم کارهایمان را انجام بدهیم مطلب بعدی آن است که ذات اقدس اله فرمود فعلاً يك برنامه مقدماتی داریم يك برنامه مهم رسمی آن برنامه مقدماتی این است که خانه‌هایتان نزديك هم باشد يك قبیله‌ای تشکیل بدهید دور هم جمع بشوید مراکز زیست‌تان نزديك هم باشد ﴿وَ اوحینا الی موسی و اخیه ان تبوءا لقومکما بمصر بیوتا﴾ بعد ضمیر جمع آورد فرمود که با هدایت و راهنمایی این دو بزرگوار ﴿وَ اجعلوا بیوتکم قبله﴾ برخی‌ها گفتند منظور از این قبله یعنی الی القبله قرار بدهید ظاهراً آن بعید است متقابل قرار بدهید و مانند آن نه منظور آن است که مرکز عبادی داشته باشید آنجا که وقتی رهبر می‌آید تأسیس حکومت دینی منظور و هدف اوست او اول کاری که می‌کند مرکز عبادی درست می‌کند مثل وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قبل از اینکه حکومت اسلامی تشکیل بدهد در قبا مسجد ساخت نیرو تربیت کرد بعد با نیروهای خوب که ﴿لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم أحق أن تقوم فیہ﴾^۲ آنجا ﴿فیہ رجال یحبون ان یتطهروا﴾^۳ آن وقت يك عده مسئولان و دولتمردان پاك که نه تنها آدمهای خوبی‌اند برای اینکه از جهنم می‌ترسند یا می‌خواهند بهشت بروند این‌طور نیستند اینها اصلاً دوست دارند طاهر باشند لذا مسئله رشوه و باندبازی و اینها اصلاً نبود قبل از تشکیل دولت مسجد بعد از تشکیل دولت مسجد که ﴿فیہ رجال یحبون ان یتطهروا﴾^۴ نشد همین که می‌بینید دیگر اول این کارها را کرده مسجد ساخته مردان پاك تربیت کرده نه تنها «خوفاً من النار»^۵ نه تنها «شوقاً الی الجنة»^۶ اینها را

۱ - سورة یونس، آیه ۸۵

۲ - سورة توبه، آیه ۱۰۸

۳ - سورة توبه، آیه ۱۰۸

۴ - سورة توبه، آیه ۱۰۸

۵ - بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۸۰

۶ - بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۸۰

تربیت کرده اینها کادر اصلی او بودند نیروهای او بودند بعد هم حکومت تشکیل داد موفق هم شد وجود مبارك موسای کلیم دید الان وقتش نیست خدا هم نفرمود «واجعلوا بیوتکم قبله» یعنی مسجد بسازید مرکز عبادی بسازید چون می دانست يك چند روزی اینها اینجا هستند بعد همه اینها را بیرون می کنند دیگر ﴿وجاوزنا ببني اسرائيل البحر﴾^۱ که آیات بعدی است همین است اینها که اینجا نماندند که بعدها که آل فرعون همه شان ریخته شدند در دریا ﴿اخذناه و جنوده فنبدناهم في اليم﴾^۲ بعدها ﴿و أورتنا القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق الارض و مغاربها﴾^۳ که در سوره مبارکه اعراف وضع شد خوب الان جای ساختمان سازی و جای معبدسازی و اینها نیست شما چند روزی اینجا هستید فعلاً يك خانه هایی حالا يا مختصر هر چه هست کنار هم باشید از هم باخبر باشید يك سازماندهی يك سامان یافتگی داشته باشید تا دستور برسد که کجا بروید نه منظور بیوت رسمی و مراکز عبادی رسمی است مثل مسجد و اینها نه خانه های آن چنانی فرمود فعلاً در این محله گرد هم بیاوید تا اینکه ما دستور بدهیم ﴿وجاوزنا ببني اسرائيل البحر﴾^۴ امروز ما چون در مسجد جمران يك برنامه داریم اجازه بدهید به همین مقدار اکتفا کنیم.

«والحمد لله رب العالمين»

۱ - سوره یونس، آیه ۹۰

۲ - سوره قصص، آیه ۴۰

۳ - سوره اعراف، آیه ۱۳۷

۴ - سوره یونس، آیه ۹۰